



وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ
 إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ
 ﴿٦٨﴾ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ
 بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
 ﴿٦٩﴾ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ
 ﴿٧٠﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا
 فَتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ
 مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ
 لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ
 عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ
 فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا
 رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا
 وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ
 ﴿٧٣﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ
 نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ۖ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٧٤﴾

و در صور دمیده می‌شود، پس هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است - جز آن کس که خدا بخواهد - بیهوش درمی‌افتند؛ سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود و ی‌درنگ آنان به پا می‌خیزند و می‌نگرند [که با آنها چه خواهد شد]. ۶۸

و زمین به نور پروردگارش روشن گردد و کارنامه [اعمال در میان] نهاده شود و پیامبران و شاهدان را بیاورند و میانشان به حق داوری گردد و مورد ستم قرار نگیرند. ۶۹

و هر کسی [نتیجه] آنچه انجام داده است به تمام بیابد و او به آنچه می‌کنند دانانتر است. ۷۰

و کسانی که کافر شده‌اند گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند تا چون بدان رسند درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانانش به آنان گویند مگر فرستادگانی از خودتان بر شما نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و به دیدار چنین روزی شما را هشدار دهند؟ گویند چرا؛ ولی [به دلیل اعمالمان] فرمان عذاب بر کافران محقق شد. ۷۱

و گفته شود از درهای دوزخ درآید جاودانه در آن بمانید. و چه بد [جایی] است جای سرکشان. ۷۲

و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند تا چون بدان رسند و درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانان آن به ایشان گویند سلام بر شما خوش آمدید در آن درآید [و] جاودانه [بمانید]. ۷۳

و گویند سپاس خدایی را که وعده‌اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد از هر جای آن باغ [پهناور] که بخواهیم جای می‌گزینیم چه نیک است پاداش اهل عمل [به دستورات الهی]. ۷۴

در این درس با بهره‌مندی از آیات قرآن کریم و سخنان معصومان (روایات) با سرانجام و سرنوشت انسان در جایگاه ابری او آشنا می‌شویم و این درس، رابطه عمل و پاداش یا کیفر آن در این سرا را، عینیت یافتن عمل می‌داند.



دکتر فرهاد پرویزی استان البرز

فرجام کار

درس هشتم



در درس گذشته خواندیم که هنگام وقوع قیامت، چه حوادثی اتفاق می‌افتد و دادگاه عدل الهی، چگونه تشکیل می‌شود.

در این درس می‌خواهیم با بهره‌مندی از قرآن کریم و سخنان معصومان، سرانجام و سرنوشت انسان را تا جایگاه ابدی دنبال کنیم و دریابیم:

۱- زندگی نیکوکاران و گناهکاران در آخرت، چگونه است؟ *بعثتیان فوش و فرم و متعم در بعثت و دوزخیان دچار سفتی و عذاب و مثلعم هستند*

۲- چه رابطه‌ای میان اعمال ما و نوع پاداش و جزای آخرت، وجود دارد؟ *هر کس تبسم عین اعمال خود را حاضر می‌یابد*

1. بهشت چگونه جایی است؟
2. بهشت چند در دارد؟

3. درهای بهشت مخصوص چه کسانی هستند؟
4. فرشتگان هنگام ورود بهشتیان به بهشت به آنان چه می‌گویند؟
5. بهشتیان هنگام ورود به بهشت چه می‌گویند؟

۱- جایگاه نیکوکاران

اینجا بهشت است! ¹جایی که پس از پایان حسابرسی، نیکوکاران و رستگاران را به سوی آن راهنمایی می‌کنند؛ بهشت آمادهٔ استقبال و پذیرایی از آنهاست و چون بهشتیان سر رسند، درهای آن را به روی خود گشوده می‌بینند. ²بهشت هشت در دارد که بهشتیان از آن درها وارد می‌شوند. ³یک در مخصوص پیامبران و صدیقان، یک در مخصوص شهیدان و درهای دیگر برای گروه‌های دیگر است. ⁴از هر دری فرشتگان برای استقبال به سوی آنان می‌آیند ⁵و به بهشتیان سلام می‌کنند و می‌گویند: خوش آمدید؛ وارد بهشت شوید و برای همیشه در آن زندگی کنید. ⁶بهشتیان می‌گویند خدای را سپاس که به وعدهٔ خود وفا و این جایگاه زیبا را به ما عطا کرد. ⁷هریک از بهشتیان در درجه‌ای خاص از بهشت قرار می‌گیرند.

هرچه دل ایشان تمنا کند و دیدگانشان را خوش آید، آماده می‌بینند. ⁸خدا را سپاس می‌گویند که حزن و اندوه را از آنان زدوده و از رنج و درماندگی، دور کرده است. ⁹علاوه بر این، ¹⁰بالاترین نعمت بهشت، یعنی رسیدن به مقام خشنودی خدا را برای خود می‌یابند و از این رستگاری بزرگ مسرورند. ¹¹بهشتیان با فراوند با چه جمله ای هم صحبتند؟

¹²بهشتیان با خدا هم صحبت‌اند و به جملهٔ «خدا یا! تو پاک و منزهی» مترنم‌اند. ¹³بهشت برای آنان سرای سلامتی (دارالسلام) است؛ ¹⁴یعنی هیچ نقصانی، غصه‌ای، ترسی، بیماری‌ای، جهلی، مرگ و هلاکتی، و خلاصه، هیچ ناراحتی و رنجی در آنجا نیست. ¹⁵نعمت‌های دائمی آن هیچ‌گاه خستگی و سستی نمی‌آورد. ¹⁶در آنجا انسان همیشه شاداب و سرحال است و همواره احساس طراوت و تازگی می‌کند. ¹⁷دوستان و هم‌نشینان انسان در آنجا، پیامبران، راستگویان، شهیدان و نیکوکاران اند و آنان چه نیکو هم‌نشینانی هستند. ¹⁸

10. دوستان و هم‌نشینان انسان در بهشت چه کسانی هستند؟

6. بالاترین نعمت بهشتی چیست؟

9. نعمت‌های بهشت افروزی را توصیف کنید؟

8. بهشت سرای سلامتی است به چه معناست؟ یا دارالسلام بودن بهشت به چه معناست؟

- ۱- کنزالعمال، متقی هندی، ج ۱۴، ص ۴۵۱
- ۲- خصال، شیخ صدوق، باب هشاد، ص ۴۰۷
- ۳- سورهٔ رعد، آیهٔ ۲۳
- ۴- سورهٔ زمر، آیهٔ ۷۳
- ۵- سورهٔ زمر، آیهٔ ۷۴
- ۶- سورهٔ زخرف، آیهٔ ۷۱
- ۷- سورهٔ فاطر، آیات ۳۴ و ۳۵
- ۸- سورهٔ توبه، آیهٔ ۷۲
- ۹- سورهٔ یونس، آیهٔ ۱۰
- ۱۰- سورهٔ انعام، آیهٔ ۱۲۷
- ۱۱- سورهٔ نساء، آیهٔ ۶۹

11. اوصاف زنان و مردان بهشتی را بیان کنید؟

12. اوصاف همسران بهشتی را بیان کنید؟

11) زنان و مردان بهشتی در زیباترین و جوان‌ترین صورت و قیافه در بهشت به سر می‌برند. زندگی آنان سرشار از عشق، لذت و سرور است. 11) همسران بهشتی خوش‌رفتار و زیبارو، جوان و شاداب، پاک و طاهر، خوش و خرم، پیوسته عاشق و خرسند از همسر خود هستند. 12)

تدبیر

با تدبیر در ترجمه آیات زیر بگویید که اگر ما هم بخواهیم در زمره بهشتیان باشیم باید در دنیا چگونه زندگی کنیم؟

■ امروز روزی است که راستی راستگویان به آنها سود بخشد، برای آنها باغ‌ایی از بهشت است.

باید راستگویی را پیشه کنیم و از دروغ بپرهیزیم

سوره مائده، آیه ۱۱۹

■ و شتاب کنید برای رسیدن به آموزش پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن، آسمان‌ها و زمین است و برای متقیان آماده شده است؛ همان‌ها که در زمان توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم می‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد. و آنها که وقتی مرتکب عمل زشتی می‌شوند، یا به خود ستم می‌کنند، به یاد خدا می‌افتند و برای گناهان خود طلب آموزش می‌کنند.

انفاق کردن در همه حال

فرو بردن فشم

از فضای دیگران گذشتن

نیکوکاری کردن

باید به این موارد عمل کنیم

سوره آل عمران، آیات ۱۳۵-۱۳۲

در صورت آلوده شدن به گناه به یاد خدا بودن و طلب آموزش از خدا کردن

■ و آنها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند و آنها که به راستی ادای شهادت کنند و آنها که بر نماز مواظبت دارند، آنان در باغ‌های بهشتی گرامی داشته می‌شوند.

امانت دار بودن

به عهد خود وفا دار بودن

شهادت راست دادن

توجه به نماز داشتن

باید این ویژگی‌ها را داشته باشیم

سوره معارج، آیات ۳۵-۳۲

۱- سوره واقعه، آیات ۲۲ تا ۲۴ و ۳۵ تا ۳۷؛ سوره الرحمن، آیات ۷۰ تا ۷۷

۲- برای اطلاع بیشتر از ویژگی‌های بهشت به جلد ۱۰ معادشناسی از علامه حسینی تهرانی و کتاب «معاد» استاد قرائتی مراجعه کنید.

جایی که در آن ملال و دلزدگی نیست

ممکن است این سؤال برای برخی پیش آید که آیا زندگی کردن تا ابد در بهشت موجب خستگی و دلزدگی بهشتیان نخواهد شد؟

منشأ این سؤال مقایسه لذت‌های بهشتی با لذت‌های دنیوی است و اینکه لذت‌های دنیوی پس از مدتی تکراری و خسته کننده می‌شوند. خوب است بدانیم علت اینکه لذت‌های دنیا بعد از مدتی تکراری و خسته کننده می‌شوند این است که :

اولاً دامنۀ لذات مادی محدود است و در برابر روح بی‌نهایت طلب و بلندپرواز انسان نمی‌تواند برای مدت طولانی ارزش خود را حفظ کند. برای همین حتی ثروتمندترین افراد نیز پس از مدتی از زندگی یکنواخت خود خسته می‌شوند. اما نعمت‌ها و لذات بهشتی پایان‌ناپذیر است و بدون هیچ حدی در اختیار بهشتیان است.

ثانیاً از آنجا که روح انسان متعلق به خداست و تنها با او آرام می‌گیرد، مدام در تلاش برای رسیدن به اوست و از همین رو هیچ هدف یا لذتی نمی‌تواند برای همیشه او را به خود مشغول سازد. از این رو، آنان که از خدا دور افتاده‌اند، مدام از این هدف به آن هدف و از این لذت به آن لذت دیگر روی می‌آورند تا مگر آرام و قرار گیرند، اما چون گمگشته خود را در هیچ یک می‌یابند، نمی‌توانند برای همیشه خود را با آن سرگرم کنند. اما در بهشت، انسان خواسته حقیقی و گمگشته درونی خویش که همان لقای پروردگار است را، می‌یابد و با او آرام می‌گیرد و دیگر به هیچ رو خواستار تغییر این وضعیت و دگرگونی در آن نیست؛ زیرا در نهایت آرامش به سر می‌برد و روح بی‌نهایت طلب او از مواهب پایان‌ناپذیر بهشت برخوردار است. قرآن کریم می‌فرماید :

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا
در آن [بهشت ابدی] جاویدان‌اند و خواستار
هیچ‌گونه دگرگونی نیستند.^۱

۲- جایگاه دوزخیان¹³. نحوه ورود جهنمیان به جهنم را توصیف کنید؟

¹³ پس از پایان محاکمه، دوزخیان گروه گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند^۱ و درحالی که در غل و زنجیر

بسته شده‌اند، در جایگاهی تنگ افکنده می‌شوند.¹³ ^۲ **14!** آتش جهنم را توصیف کنید؟

¹⁴ آتش جهنم، بسیار سخت و سوزاننده است. این آتش حاصل عمل خود انسان هاست و برای همین،

از درون جان آنها شعله می‌کشد.¹⁴ ^۳ **15!** گفتگوی جهنمیان با فرادون را بیان کنید؟

¹⁵ در این حال، ناله حسرت دوزخیان بلند می‌شود و می‌گویند: ای کاش خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر

او را اطاعت می‌کردیم.^۴ ای کاش فلان شخص را به‌عنوان دوست خود انتخاب نمی‌کردیم. او ما را از

یاد خدا بازداشت.^۵ دریغ بر ما، به خاطر آن کوتاهی‌هایی که در دنیا کردیم!^۶

آنان به خداوند می‌گویند: پروردگارا شقاوت بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم. ما را از اینجا

بیرون بر که اگر به دنیا بازگردیم، عمل صالح انجام می‌دهیم.^۷ **16!** پاسخ قطعی فرادون به جهنمیان چیست؟

¹⁶ پاسخ قطعی خداوند این است که آیا در دنیا به اندازه کافی به شما عمر ندادیم تا هر کس می‌خواست به

راه راست آید؟^۸ ما می‌دانیم اگر به دنیا بازگردید، همان راه گذشته را پیش می‌گیرید.^۹

18

¹⁷ (آنان گاهی دیگران را مقصر می‌شمارند و می‌گویند: شیطان و بزرگان و سرورانمان سبب گمراهی ما

17!
جهنمیان چه کسانی را سبب گمراهی خود می‌دانند؟

شدند.)^{۱۰} شیطان می‌گوید من فقط شما را فراخواندم و شما نیز مرا پذیرفتید. مرا ملامت نکنید، خود را

ملامت کنید.^{۱۱} (به نگهبانان جهنم رو می‌آورند تا آنها برایشان از خداوند تخفیفی بگیرند؛ ولی فرشتگان

می‌گویند: مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟ آنان می‌گویند: بلی! فرشتگان نیز تقاضای

آنها را نمی‌پذیرند و درخواستشان را بیجا می‌دانند.)¹⁹ **19!** فرشتگان نگویند جهنم در پاسخ التماس جهنمیان برای تخفیف عذاب از آنان، چه می‌گویند؟

18!
شیطان در پاسخ جهنمیان که او را سبب گمراهی خود می‌دانند، چه می‌گوید؟

تدبیر

ترجمه آیات صفحه بعد به توصیف برخی از ویژگی‌های جهنمیان می‌پردازد. با تدبیر در آنها بیان کنید که چه زمینه‌هایی می‌تواند شما را به سوی جهنم بکشاند؟ آنها را بیابید و برنامه‌ای برای از بین بردن آن زمینه‌ها تنظیم کنید.

- ۳- سوره همزه، آیات ۴ تا ۷
- ۶- سوره انعام، آیه ۳۱
- ۹- سوره انعام، آیه ۲۸
- ۱۲- سوره غافر، آیات ۴۹ و ۵۰

- ۲- سوره فرقان، آیه ۱۳
- ۵- سوره فرقان، آیات ۲۸ و ۲۹
- ۸- سوره فاطر، آیه ۳۷
- ۱۱- سوره ابراهیم، آیه ۲۲

- ۱- سوره زمر، آیه ۷۱
- ۴- سوره احزاب، آیه ۶۶
- ۷- سوره مؤمنون، آیات ۶ و ۷ و ۱۰
- ۱۰- سوره احزاب، آیه ۶۷

این آیه به دیدگاه انکار معاد مربوط است

■ جهنمیان می گویند: ما در دنیا نماز نمی خواندیم و از محرومان دستگیری نمی کردیم؛ همراه بدکاران غرق در معصیت خدا می شدیم و روز رستاخیز را تکذیب می کردیم.

الف) انعام نماز- عدم کمک به مبرومان- همراهی با بدکاران- دروغ پنداشتن رستاقین
سوره مدثر، آیات ۴۷-۴۰
برنامه ← ب) انعام نماز های یومیه- انفاق در راه خدا- همراه نبودن با بدکاران در ارتکاب گناه- ایمان به معاد و روز رستاخیز

■ برای کسانی که کارهای زشت انجام دهند و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرارسد می گوید: الان توبه کردم، توبه نیست و اینها کسانی هستند که عذاب دردناکی برایشان فراهم کردیم.

الف) انعام کارهای زشت و عدم توبه پیش از مرگ
برنامه ← ب) برای از بین بردن این زمینه انسان نباید توبه را به تأخیر اندازد زیرا ممکن است بطور ناگهانی مرگ او فرارسد و درهای توبه به روی او بسته شود
سوره نساء، آیه ۱۸

■ (جهنمیان) پیش از این (در دنیا) مست و مغرور نعمت بودند و بر گناهان بزرگ اصرار

می ورزیدند. الف) مست و مغرور شدن به نعمت های دنیا

برنامه ← ب) با غرق نشدن در نعمت های دنیا و توبه از گناهان بزرگ می توان این زمینه را از بین برد

.....
.....

20

رابطه میان عمل و پاداش و کیفر سوال؟

قراردادی ← طبیعی ← تبسم عمل
از سؤال های قابل توجه این است که رابطه اعمال دنیایی با جزا و پاداش اخروی چگونه است؟

رابطه میان عمل و جزای آن، سه گونه است:

21: 1. رابطه میان عمل و جزای آن را به صورت قراردادی توضیح دهید؟

۱- قراردادی: گاهی پاداش و کیفر براساس مجموعه ای از قراردادها تعیین می شود؛ مانند اینکه

اگر کارگر در طول روز، کار معینی را انجام دهد، دستمزد مشخصی در برابر آن کار دریافت می کند.

همچنین اگر کسی مرتکب جرمی شود، مطابق با قوانین و مقررات به پرداخت جریمه نقدی یا زندان

و نظایر آن محکوم می شود. رابطه میان آن کارها و این گونه پاداش ها و کیفرها، یک رابطه قراردادی

است و انسان ها می توانند با وضع قوانین جدید این رابطه ها را تغییر دهند؛ برای مثال، اگر کیفر جرمی

زندان است، آن را به پرداخت جریمه نقدی تبدیل کنند. آنچه در اینجا اهمیت دارد، تناسب میان جرم

و کیفر است تا عدالت برقرار گردد) 22: 2. رابطه میان عمل و جزای آن را به صورت طبیعی توضیح دهید؟

22: ۲- طبیعی: گاهی پاداش و کیفر، محصول طبیعی خود عمل است و انسان ها نمی توانند آن را

تغییر دهند، بلکه باید خود را با آن هماهنگ کنند و با آگاهی کامل از آن برنامه زندگی خود را تنظیم

و سعادت زندگی خویش را تأمین کنند؛ مثلاً اگر کسی سیگار بکشد، به امراض گوناگونی مبتلا

23. رابطه میان عمل و جزای آن را به صورت تبسم عمل توضیح دهید؟

می شود. همچنین اگر کسی اهل مطالعه و تحقیق باشد، به طور طبیعی به علم و آگاهی دست می یابد یا اگر روزانه ورزش کند، به سلامت و تندرستی خود کمک کرده است. 22

3- تجسم عمل: نوع دیگری از رابطه میان عمل و پاداش و کیفر وجود دارد که عمیق تر و کامل تر از دو نوع قبلی است. همان طور که در بحث از نامه عمل دیدیم، آنچه انسان با خود به قیامت می برد، باطن اعمالی است که اکنون در این دنیا قابل مشاهده نیست. هر عملی یک جنبه ظاهری و یک جنبه باطنی دارد. جنبه ظاهری بعد از عمل از بین می رود؛ اما جنبه باطنی هرگز از بین نمی رود و در روح هر انسانی باقی می ماند. بنابراین، هر عملی که ما در زندگی دنیوی انجام می دهیم، حقیقت و باطن آن عمل در جهان آخرت به صورت زشت یا زیبا، لذت بخش یا دردآور مجسم می شود و انسان خود را در میان باطن اعمال خود می بیند. پس آنچه در روز قیامت به عنوان پاداش یا کیفر به ما داده می شود، عین عمل ماست. به عنوان مثال، کسی که ربا می خورد و یا مال یتیمی را به ناحق تصاحب می کند، اگر باطن و چهره واقعی عمل او در همین دنیا برملا شود، همگان خواهند دید که او در حال خوردن آتش است؛ اما در دنیا آتش آشکار نمی شود و هنگامی که او وارد جهان آخرت می شود و پرده ها کنار می رود، حقیقت و باطن عمل عیان می گردد و آتش از درون او زبانه می کشد. 23

این آیه به کیفر افروی از نوع تبسم خود اشاره دارد. بر این اساس آنچه در روز قیامت به عنوان پاداش یا کیفر به ما داده می شود، عین عمل ماست

کسانی که می خورند

اموال یتیمان را از روی ظلم

جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می برند

و به زودی در آتشی فروزان درآیند. 1

موضوع هریث: پاداش و کیفر افروی (تبسم خود عمل)

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا

إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا

وَيَصِيلُونَ سَعِيرًا

بیانگر مجازات افروی از نوع تبسم خود عمل است

تبسم فقیقی و عینی خود عمل فورون اموال یتیمان به ناحق در قیامت به صورت آتش در شکم است

رسول خدا ﷺ در ضمن نصایحی که به یکی از یاران خود می کرد، فرمود:

«برای تو ناچار هم نشینی خواهد بود که هرگز از تو جدا می گردد و با تو دفن می شود... آنگاه آن

هم نشین در رستاخیز با تو برانگیخته می شود و تو مسئول آن هستی. پس دقت کن، هم نشینی که انتخاب

می کنی، نیک باشد؛ زیرا اگر او نیک باشد، مایه آنس تو خواهد بود و در غیر این صورت، موجب

وحشت تو می شود. آن هم نشین، کردار توست». 2 این روایت را که رسول خدا (ص) در ضمن نصایحی به

یکی از یاران خود بیان کردند، بیانگر جزا و پاداش

افروی از نوع «تبسم خود عمل» است

اعمال هم نشین برای ناپذیر انسان هستند به این خاطر انسان مسئول کردار خویش است

1- سوره نساء، آیه 10

2- معانی الأخبار، شیخ صدوق، ج 1، ص 233



بنابراین (در عرصه قیامت، تصویر اعمال انسان یا گزارشی از عمل انسان نمایش داده نمی شود؛ بلکه خود عمل نمایان می شود و هر کس عین عمل خود را می بیند) 24

بیشتر بدانیم

چهار رفیق

تاجری چهار رفیق صمیمی داشت. از میان آنها، رفیق چهارم را بیشتر از همه دوست داشت. تاجر با خرید هدایای فراوان، دوستی خود را به او ابراز می کرد و با احترام بسیار با وی رفتار می نمود. او بهترین هر چیز را برای این دوست خود کنار می گذاشت.

تاجر، رفیق سومش را هم دوست داشت؛ چنانچه همه جا به داشتن چنین رفیقی افتخار می کرد و همواره وی را به دیگران نشان می داد؛ اما ترسی همواره بر دل تاجر بود که مبادا او ترکش کند و به سراغ رفاقت با دیگران برود.

رفیق دوم تاجر خیلی قابل اعتماد و صبور بود. تاجر هرگاه با مشکلی روبه رو می شد به سراغ او می رفت و او هم به تاجر اعتماد به نفس می داد و موجب دلگرمی او می شد.

رفیق اول تاجر، فردی بسیار وفادار بود. اما مرد تاجر به ندرت به او توجه می کرد و پاسخ محبت های بی دریغ او را می داد.

روزی، تاجر به شدت بیمار شد و دریافت که رفتنی است. زندگی مرفه و اشرافی خود را از جلوی چشمانش گذراند و با خود گفت: اگر چه در این دنیا چهار دوست صمیمی دارم؛ اما اگر بمیرم تنهای تنها خواهم شد.

از این رو، رفقایش را به نزد خود فراخواند. ابتدا رو به رفیق چهارم خود کرد و گفت: من در این دنیا بیش از حد تو را دوست داشتم و برای و بهترین ها را فراهم کردم؛ حالا که من در حال مرگ هستم، آیا با من می آیی و مرا در این سفر همراهی می کنی؟

رفیق چهارم گفت: به هیچ وجه، و راه خود را گرفت و رفت.

با دلی شکسته درخواستش را با رفیق سومش در میان گذاشت؛ اما او هم بلافاصله گفت: نه، نمی توانم. تصمیم دارم پس از مرگت با کس دیگری طرح رفاقت بریزم.

تاجر رو به رفیق دومش کرد و مصرانه گفت: من هرگاه کمک خواسته ام، تو یاورم بوده ای. آیا این بار هم مرا یاری می کنی؟

رفیق دوم با ناراحتی گفت : این بار نمی توانم؛ اما برای تو هر هفته خیرات می دهم و طلب آمرزش می کنم.

حرف های رفیق دوم مانند صاعقه، قلب رنجور تاجر را درید و ویران کرد.
ناگاه ندایی شنید : من با تو می آیم، من تو را همراهی می کنم، هر جا که بروی با توام.
تاجر گریست؛ این صدای رفیق اولش بود که تکیده و رنجور در گوشه ای نشستته بود. تاجر با شرمساری دست نحیف او را گرفت و گفت : حالا می فهمم که باید در تمام این مدت، قدر تو را می دانستم و همه دارایی ام را به پای تو می گذاشتم.

این داستان واقعی زندگی همه ما انسان هاست :
رفیق چهارم ما، جسم ما است که همه چیز را برای زیبایی و تغذیه او صرف می کنیم؛ اما پس از مرگ، خیلی زود ما را ترک ی کند.
رفیق سوممان، ثروت و اموال ماست. وقتی ما می میریم، بلافاصله به دیگران می رسد.
رفیق دوم ما، خانواده، فرزندان و دوستان ما هستند که به رغم نزدیکی و همراهی با ما در زمان حیات، پس از مرگ فقط تا قبر ما می توانند بیایند.
و رفیق اول ما، که ما آن را فراموش کرده ایم و در پی کسب ثروت و رفاه و لذایذ جسمانی، هیچ گاه به فکرش نبوده ایم و فقط اوست که ما را در این سفر، همراهی می کند. او کسی نیست جز... **عمل ما**

در مجازات افروی که همان عینیت یافتن عمل است، ظلم امکان پذیر نیست. می دانیم که در مجازات های قراردادی، امکان عدم مساوات و ظلم وجود دارد؛ یعنی، ممکن است مجازاتی بیش از گناه یک شفیهس، به او بدهند. ولی وقتی خود عمل به صورت مجازات ظاهر شود، ظلم معنا ندارد

۱- چرا در کیفر و مجازات اخروی ظلم راه ندارد؟

۲- چه تفاوت هایی میان ویژگی های آخرت با دنیا و برزخ وجود دارد؟ آن تفاوت ها را در جدولی مانند جدول

زیر تنظیم کنید.

شماره	دنیا	برزخ	آخرت
۱	معمل عمل است.....	معمل عمل نیست.....	معمل عمل نیست.....
۲	پرونده عمل باز است..... (ما تقدم)	پرونده عمل باز است. (ما تاتر)	پرونده عمل بسته می شود
۳	فقط آثار دنیایی عمل ظهور دارد بهره ای از آثار افروی عمل	بهره ای از آثار افروی عمل ظهور پیدا می کند	آثار افروی عمل به طور کامل ظاهر می شود
۴	آگاهی های انسان محدود است	آگاهی انسان به اعمال خود بالا می رود و آن ها را به طور شفوری می بیند	سطح آگاهی انسان به اعمال خود بالا می رود و آن ها را به طور شفوری می بیند
۵	برقی پاداش ها قراردادی است	آگاهی انسان به اعمال خود بالا می رود	پاداش ها ظهور و تبسم خود عمل اند

۳- رسول خدا ﷺ فرمود: «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ».

یک کشاورز ماهر برای اینکه زراعت پر محصولی داشته باشد، پنج شرط را رعایت می کند:

بر اساس حدیث: آخرت، محصول و معلول اعمال دنیایی است و سرنوشت ابری انسان ها بر اساس اعمال آنان در دنیا تعیین می شود

۱- زمین مناسب انتخاب می کند.

۲- بذر سالم تهیه می کند.

۳- زمین را به موقع آبیاری و از کودهای مناسب استفاده می کند.

۴- زمین را از علف های هرز، پاک می کند.

۵- مواظب است که آفات و حیوانات به کشت او ضرر نرسانند.

اگر «دل» بهترین و مناسب ترین زمین برای کشت محصول آخرت است، چهار شرط دیگر کدام اند؟

۱- **بذر سالم، همان استعدادهای و گرایش های پاک است**

۲- **آبیاری، و تغذیه مناسب، همان اعمال نیک است**

۳- **پاک کردن از فس و فاشاک و علف های هرز، همان پاک شدن از گناهان است**

۴- **مافظ کردن از آسیب آفات و حیوانات، جلوگیری از وسوسه شیطان، نفس اماره و دوستان**

ناباب و عوامل تبلیغی دیگر است

فرزند آخرت باش

حضرت علی علیه السلام:

آگاه باشید! دنیا به سرعت پشت کرده و از آن جز باقی مانده اندکی از ظرف آبی که آن را خالی کرده باشند، نمانده است. به هوش باشید که آخرت به سوی ما می آید. دنیا و آخرت، هر یک فرزندانانی دارند. بکوشید از فرزندان آخرت باشید، نه دنیا. زیرا در روز قیامت هر فرزندی به پدر و مادر خویش بازمی گردد. امروز هنگام عمل است و حسابی در کار نیست و فردا روز حسابرسی است و عملی در کار نیست.

نهج البلاغه، خطبه ۴۲

فقط یک بار!

فقط یک بار به دنیا می آیی،

فقط یک بار خداوند زندگی را به تو هدیه می کند؛

اما، در سرایی دیگر همواره خواهی بود؛

اگر این فرصت یک باره را از دست دهی،

چه خواهی کرد؟

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
تجسم عمل و شفاعت	محمد شجاعی	کانون اندیشه جوان	دانش آموز / معلم